



۲

خدا انکار است؛ مانند در کتاب «جوهر مسیحیت»
جانسخت مائتین فرمانروائی انسان را به جای حکومت
پادشاه هگل آغاز کرد.
وقتی بلور صریح اعلام داشت که: «پندار خدا
و دین چیزی از محصولات انسانی نیست؛ خدا
انسان تمام یافته است بلکه انسان خدا را آفریده
و همان این کار را بدین ترتیب انجام داده است که
بشرین چیزهایی که در خود سراغ دارد یعنی تصورات
مربوط به راستی، زیان و تکی... و غیره را در یک
آسمان آرمائی فراتانگنده است...» (۱)
چنین «آهنگی» ادا مارکس و انگلس نه تنها با
شوق فراوان پذیرا شدند؛ بلکه آنرا تکمیل و تشریح

همانطور که مارکس و «دیالیکتیک»
را از هگلهگل اقتباس کرده، عنصر «آتریالیسم»
را هم از فیلسوف آلمانی دیگری که ادبیات
و چپ گرایی، مکتب هگل بود بنام لودویگ
فولترباخ گرفته است. فولترباخ طغیان استادان
صورت «خداگرایی» به صورت «توحیدانگرائی» دور
آورد و سپس مارکس طغیان طبیعت گرایی فولترباخ
را به شکل «مادیگرایی تاریخی» ساخت؛ و بعد با
صورت مادیگرایی فلسفی تعمیم داد. اغلب گفته
شده است که هگل فولترباخ را به وجود آورد و
فولترباخ مارکس را....
«فولترباخ» که یکی از نمایانندگان مکتب «بشرگرایی»

۱- آندره میتر استاد دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پاریس.

پس بنیاد جهان بینی مارکسیسم بر شاگردان ماد بگرائی استوار است: «بدون داشتن یک جهان بینی درست فردی در چهار تناقضات متعین و از عهد گذشته گردن کوفت نمودهای ناسازگار بر نمی آید. آن جهان بینی که تناقضات در ادک میکند و آنرا در واحد کلی تری مجتمع ساخته و از آن درمیگذرد، آن جهان بینی که استطاعت مرزونی در بازه جهان و اجتماع بر خود مآوردده اضداد را در مفاهیم کلی تری آشتی می دهد قادر است که تناقضات کلی ما را نیز در پایداری آن با یک جهش انقلابی درگذرد... آن جهان بینی که تناقضات اجتماعی را بیرون میکند و سازش میدهد و از آنها بیرون میزند «ماتریالیسم دیالیک تمک» (۲) نام دارد. این جهان بینی قبول نور زمان خلف تاریخ است که بر پادای زمان نشسته اند و پیوسته سوی افق آینده می نازند. در اینجا یادآوری این نکته لازم به نظر میرسد که هر چند مارکس و انگلس در توصیف «ماتریالیسم

خود به فوتری باخ (۳) استناد جسته و اوار فیلسوفی میداند که ماد بگرائی را مبنای مطالبات حقوقی خود قرار داده است؛ ولی در عین حال نمیتوان گفت که «ماتریالیسم» مارکس و انگلس با ماتریالیسم «فوتری باخ» همانند است. در حقیقت آنها یک مادی گرایی محض، تویین جدلی و تحول گرایی است. ماتریالیسم فوتری باخ نموده جنبه های ایدئالیستی، اخلاقی و مذهبی آنرا می نهد.

انگلس بارها گفته است که فوتری باخ با وجود اصل و مدع ماتریالیستی خود در چنگال «موانع ایدئالیستی متکی بس» گرفتار بوده است... ایدئالیسم فوتری باخ زمانی بخوبی آشکار میشود که بنقاید مذهبی و اخلاقی او توجه کنیم و نیز میگویند: وی همه ادب بگرائی جامد و بی روح «سطحی و بیستل» قرن هیجدهم را می شناخت؛ پس اگر چه اساس و هسته طبقه و نظریات فوتری باخ ایدئالیستی است، مع الوصف تا بجای

۲- در این باره حرفهای زیادی داریم که در بررسیهای آینده میخوانند، ولی در اینجا مناسب است به این نکته گذرا اشاره کنیم که اکنون مارکس و انگلس زنده نیستند تا مشاهده کنند که تئوری جهان بینی آنها نه تنها شو است تا نقیضات اجتماعی را حل کند بلکه آورده آنها موجب بسیاری از تناقضات فئولتئوری گردید، نه تنها دزدی را دوا نکرد بلکه دزدیهای کثیفه و طاقت فرسایی را بر کرده بشریت تحمل نموده که در آن جزء از درمان مشکل نظر میرسد که بتواند از این جان سالم بدر برد.

۳- انگلس در کتاب «فوتری باخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان» مینویسد: فوتری باخ ماد بگرائی را دوباره تک و زاست بر تخت حکومت نشاند و تضاد سیستم هگل را به یکباره نیست و نابود کرد. ماهیچه بطور موقت هوادار فوتری باخ شدیم. مارکس در کتاب «خانواده مقدس» مینویسد: ... چه کسی مفاهیم و جنگ خدا یان را که قط در حقیقت فلسفه بود نابود کرد؟ فوتری باخ!

چه کسی... انسان را جایگزین چیزهای قدیمی کرد؟ فوتری باخ و هتلفو فوتری باخ!

که از آن به دست آمد، سیستم فلسفه مادی گنارل مارکس و انگلس را بنیاد نهاد. آنها از طریق آسار فوتری باخ با فلسفه هگل آشنا شده و از «دیالیکتیک» آن بهره جت و لسی اساس ایدئالیستی آنرا مفهوم «ماتریالیسم» و بگرایش مادی جهان معاوضه کردند (۱۴) و بدون تردید بیرون چب گرای فلسفه هگل بطور کلی در تعیین سرنوشت فلسفه قرن نوزدهم بسیار مؤثر بودند. (۴)

اکنون هنگام آن رسیده است که سازندگانی

۴- هگل و طبقه جدید/ نوشته: حمید حمید/ ص ۱۲۵

یک ضایعه اسفناک

روز شانزدهم ربیع الاول سال جاری یک روز قبل از روز میلاد دو پیشوای بزرگ؟ علم و فاضلی بهم آمیخته گردید؛ و در گذشت مرحوم آیت الله آقای حاج سید عبدالحجّت ایروانی که از علماء بزرگ تریز بود، جامعه روحانیت زاد ناست فروری.

مرحوم آیت الله ایروانی در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در شهرستان تریز در یک خانواده اصیل علمی دیده به جهان گشود؛ و پس از طی مراحل علم و دانش در سال ۱۳۳۸ برای تکمیل تحصیلات رهسپار نجف اشرف گردید و تا سال ۱۳۴۹ در آنجا رحل اقامت افکند و از عمر من علوم طبای بزرگ مانند مرحوم آیت الله، نایینی و آغا ضیاء الدین عراقی و مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی بهره ها برد سپس رهسپار زادگاه خود گردید و به تدریس و ترویج مطالب علوم دینی و دیگر وظائف اجتماعی پرداخت تا آنجا که روز شانزدهم ماه ربیع دعوت خردانیک گفت و در روز هفدهم ربیع طی مراسم باشکوهی در حواضر متعصمه (علیها السلام) بخاک سپرده شد.

مرحوم آیت الله ایروانی عالمی بزرگ، مردی مودت و وفور، و هشدار و دوراندیش بود و کتابخانه خانوادگی وی یکی از کتابخانه های ارزنده آذربایجان است که محفوظات نفیس و گرانبهای دارد.

ما این ضایعه بزرگ را به جامعه روحانیت و به بازماندگان آن مرحوم تسلیت می گوئیم.